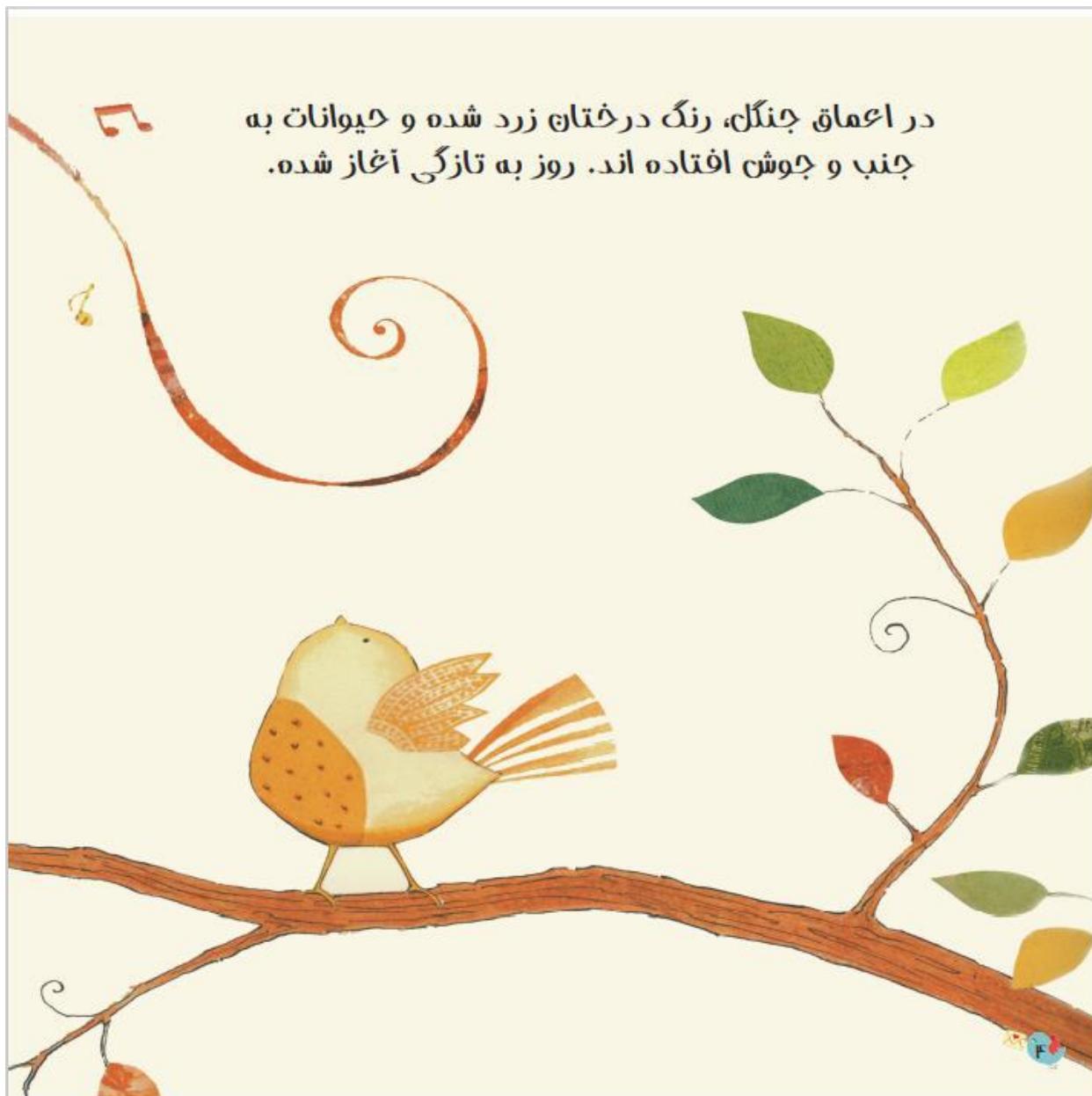


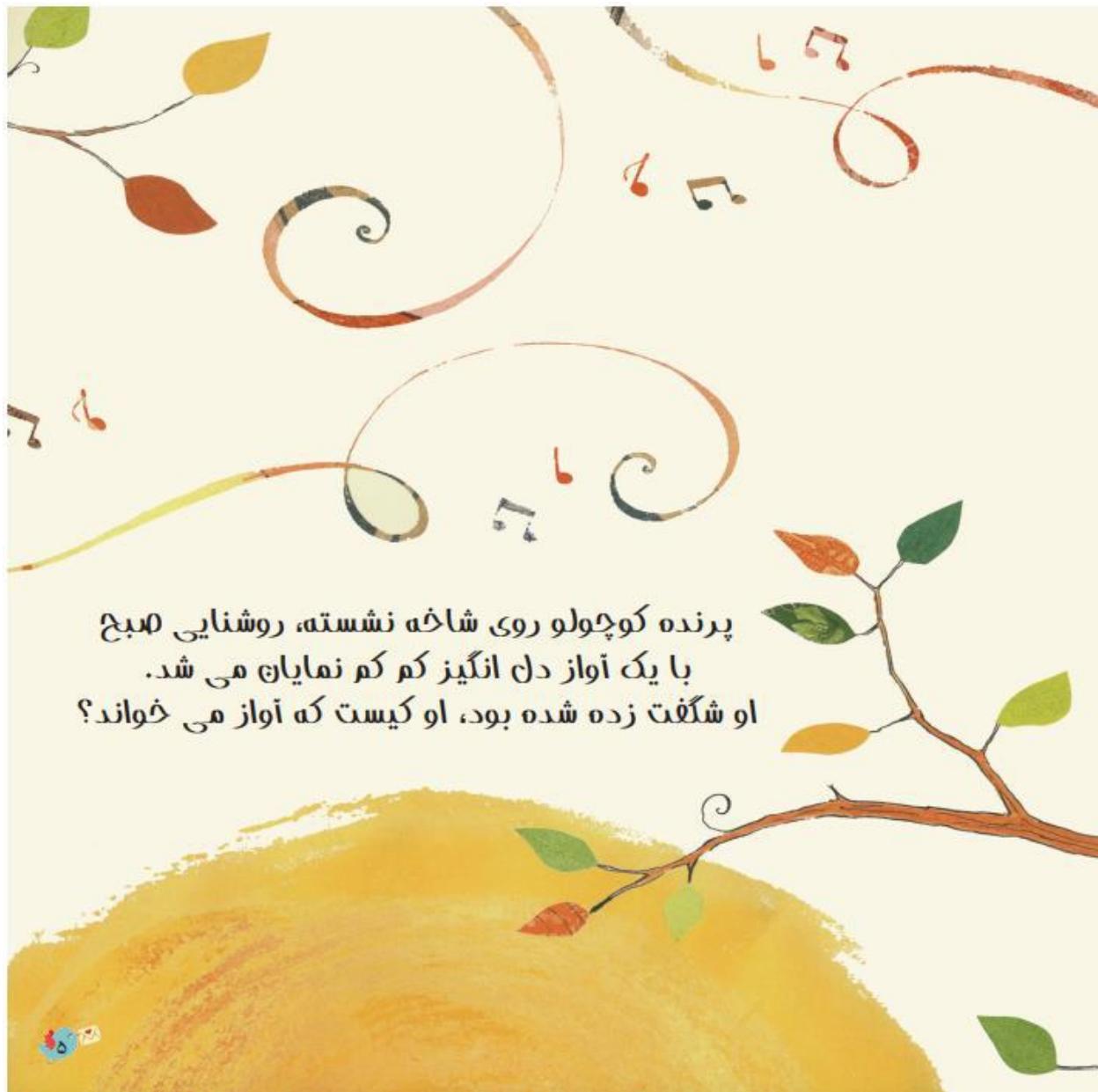
آواز دل انگیز

سبزگاری



در اعماق جنگل، رنگ درختان زرد شده و حیوانات به
جنب و جوش افتاده اند. روز به تازگی آغاز شده.





پرنده کوچولو روی شاخه نشسته، روشنایی صبح
با یک آواز دل انگیز کم کم نمایان می شد.
او شگفت زده شده بود، او کیست که آواز می خواند؟

پرنده کوچولو بالهایش را باز کرد و باد
انداخت زیر پرهایش...



و تمیم گرفت دنبل مدها برود.



او در نسیم شبگاهی تا کناره های
جنگل جایی که درختان بلند و سر به
فلک کشیده داشت پرواز کرد، در
آنجا یک جغد را پیدا کرد.

